

در کیلومتر ۱۴ جاده تهران-کرج، تاریخ خاطرات خود را زنده می‌کند، تهران قدیم با تمام هیاهو و اختلاط فرهنگ سنتی و تحفه‌های فرنگ، روح را در فضای عصر ناصری و مظفری، به تماشا می‌برد و ترسیم بناهای ایران دوران مغول، یاد پایداریها و دلاوری‌های فرزندان این مرز و بوم را، در برابر اشغالگران زنده می‌نماید و می‌رود که شهرک با توسعه خود، تاریخ ایران زمین را تجسم بخشد.

شهرک سینمایی، محل تجسم خاطره‌های تاریخ و محفلی از دیربندان است که زندگی خود را با تصویر تهران قدیم آغاز کرده است.

رژیم گذشته تا به امروز ادامه داشته است. چندی پیش، شهرداری تهران همراه با مؤسسات و سازمانهای مختلف، ضمن برپایی سمینارها، نمایشگاهها و انجام تبلیغات متعدد، دویستمین سالگرد پایتخت شدن تهران را گرامی داشتند. تهران سال ۱۲۹۰ شمسی با تهران امروز تفاوت بسیاری کرده است. بناهای قدیمی تخریب، شکل ساختمان سازی دگرگون، و خیابانها و کوچه‌ها و شهروندان تهرانی یا تهران نشینها متحول شده‌اند. اما امروز با گذشت سالیان سال از آن زمان و به وجود آمدن تغییرات بسیار در تهران و توابع آن که امروز حزیب از این شهر بزرگ هستند، برای احیاء بخشی از تاریخ تهران به همت سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران الگوی کوچکی از تهران قدیم با عنوان "شهرک سینمایی" در کنار تهران جدید برپا شده است که طی این گزارش به اتفاق خوانندگان گرامی مجله گزارش، از گوشه و کنار این شهرک خاطره‌انگیز دیدن می‌کنیم.

با پیمودن ۱۴ کیلومتر مسافت از تهران در جاده کرج و گذشتن از بیراهه‌های و چندی انتظار در مقابل در ورودی بالاخره به داخل شهرک راه می‌یابیم و

... و اینک تهران قدیم، محصول قرن بیستم، عتیقه‌ای برپا شده در ۱۴ کیلومتری تهران بزرگ، به دست معماران و طراحان دکورسازی، بناهای قدیمی و فراموش شده، که تهران سال ۱۲۹۰ شمسی را زندگی دوباره می‌بخشد و مردان کلاه بره به سر، و زنان شلیته‌پوش را بهره دعوت می‌کند.

آثاری که پس از گذشت ۸۰ سال از عمر بناهای واقعی آن، با تغییراتی که پشت سر گذاشته است، امروز در شهرک سینمایی صدا و سیما با حفظ تمام زوایای قدیمی خود احیاء شده است و همگان را به تعجب وادار می‌دارد.

آقا محمدخان قاجار سر سلسله، قاجاریه، پس از به سلطنت رسیدن (حدود دویست سال پیش) تهران را به عنوان مرکز حکومت و پایتخت ایران برگزید و از آن روزها، تهران کوچک و محدود که قریب‌ای بیش نبود، رفت‌رفته گسترش یافت و بعدها، سفارتخانه‌ها، وزارتخانه‌ها، سازمانها و مراکز سیاسی، اجتماعی و اقتصادی متعددی در آن ایجاد شد و کم‌کم رنگ و شکل شهر بزرگی را به خود گرفت. این روند توسعه شهری و استقرار مرکز حکومت در تهران همچنان در دوران

شهرک سینمایی، صدای پای پیراز کوچه‌های سنگفرش

گزارشگر: اکبر نعمت‌الهی

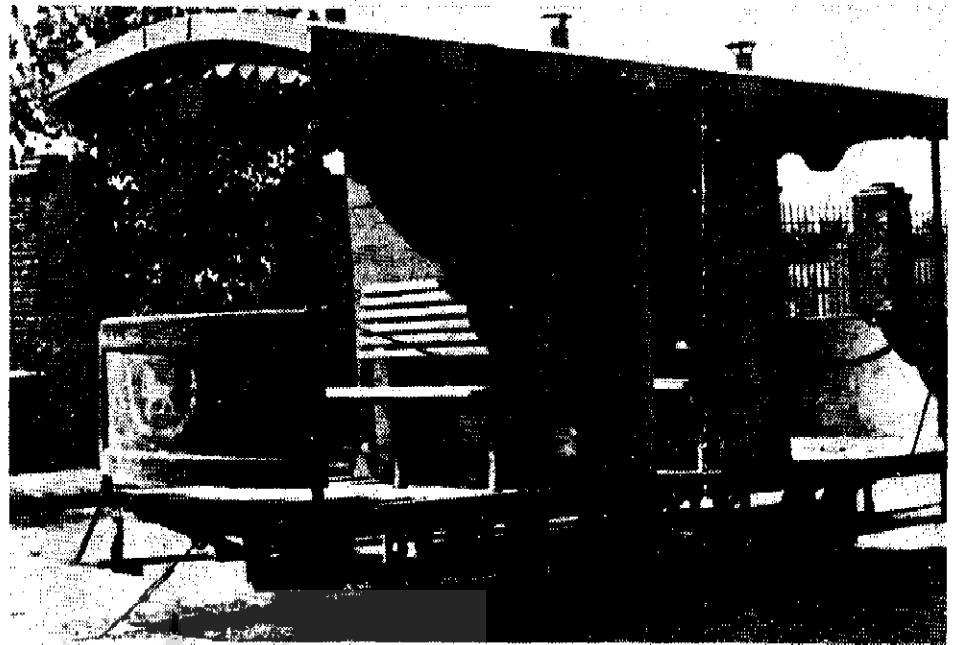
را تعیین و با مخالفان رژیم از طریق عمل خود مبارزه می‌کرد.

... یکروز صبح مقابل مغازه نان سنگگی، درشکه می‌ایستد و خان مظفر با دیدبه و کنکبه وارد می‌شود. بلوای نان را به‌خاطر دارید سکناس داخلی نانویی بنا داشت حرف از آن ماجرا بزند و حضور والا مقام "خان مظفر" به‌این معنا بود که ایشان از روی دلسوزی و مردم‌داری اقدام به خاموش کردن آتش آن فائسه می‌تند. سیر در لاله‌زار را ادامه می‌دهیم و بالاخره به‌کافه پارس می‌رسیم و بعد چایخانه مظفر، یادآور رضا خوشنویس قربانی ترفندهای سیاسی استعمار کهنه! صحبت از سیاست شد و ماجراهای "هزار دستان"، "رضا خوشنویس" (جمشید مشایخی) یکی دیگر از پرسوناژهای سریال جوانی بود ساده و به‌دور از هرگونه سیاستی که دیدید چگونه طعمه اهداف گروه‌ها و دسته‌های سیاسی شد و دست به‌چه‌کارهایی زد و آخر...

لاله‌زار را فراموش می‌کنم و به‌محله "عودالجان" راهنمایی می‌شویم و از محله "نایب‌السلطنه"، تکبه دولت و چهار راه کنت می‌گذریم، کوچه‌های تنگ و باریک، سرگذرهای خاموش بازار صفویه، مغازه سلمانی که هنوز سر بریده مفتش عدلیه در آن دیده می‌شود، دیوارهای کاهگلی و کوتاه و آجرهای عهد عتیق، پاجینه دیوار، خانه‌های پشت بازار با درهای چوبی مخصوص آدمهای قد کوتاه را یکی پس از دیگری پشت سر می‌گذاریم و تاریخ را بسیار سریع و با نگاهی به تصاویر آن ورق می‌زنیم. ریزه‌کاریهای دقیق، استفاده از مصالح ساختمانی قدیمی و... همگی نشان‌دهنده دید طولی و صبریایدار معماران و سازندگان آن است. طرح اولیه ساخت شهرک سینمایی در سال ۱۳۵۴ توسط "علی حاتمی" ارائه شد و سرانجام این طرح در سال ۶۲ به نتیجه رسید که علی حاتمی نخستین بار برای تهیه سریال تلویزیونی "هزار دستان"، صحنه‌های این شهرک را مورد استفاده قرار داد.

با عبور از مسافتی طولانی به‌محوطه "نسبتا" بزرگی راهنمایی می‌شویم که در یک‌سوزندان "والی" با داری برپا شده، برای حلق‌آویز کردن گردنکشان و متهمان حکومت آماده و از پشت میله‌ها، سیاه جال مخوف داروغه با دیوارهای سیاه، در طلب زندانیان خود بود.

با گردش به‌سمت راست، کاخی زیبا به‌پا شده بر ستونهای سفید و نقره‌ای در مقابل سیاهی زندان ایستاده است، انگار



خارجی داشته و علی حاتمی کارگردان سینمایی ایران با برگشت به‌سالها قبل و نفوذ در تاریخ بر آن شد که تاریخ ایران را به‌تصویر کند که شما در پخش از سیمای جمهوری اسلامی ایران شاهد آن بودید. شخصیتها و یا به‌قول سینمایی‌ها پرسوناژ "هزار دستان" با اینکه تعدادی از آنان ساخته و پرداخته ذهن کارگردان بود ولی برخی از آنان واقعی و نامی در تاریخ گذشته ایران دارند. گشت و گذار را ادامه می‌دهیم...

مغازه پیرایش، بیاله فروشی بگوس، داروخانه، کفافی و تعمیر کفش و کلاه شاپو و ساعت‌های دیواری، کافه‌ستوران و میهمانخانه بزرگ تهران و گراند هتل، همگی ساکت و خاموش، بدون آنکه هیچ مشتری را در آن ببایی تا از سرویس‌هتل نظرش را جویا شوی و یا حتی رهگذری شاپو به‌سرا بالکنی کوچک، پنجره‌هایی مشبک و شیشه‌های رنگی، که از نور آفتاب طیف الوانی ساخته بود، و اما، صندلی خان مظفر خالی از هرسیاستی...! انگار همین دیروز بود که خان مظفر از بالکن گراند هتل، نظاره‌گر تمام احوال و اقوال بود. به‌یاد دارید که چگونه در امور مملکتی دخالت داشت و سیاستهای دولت

به‌چهار راه لاله‌زار می‌رسیم. سنگ‌فرشی گسترده بر پهنه خیابان، پیاده‌روهایی صاف و برق‌انداخته و واگن بدون اسب و خط تراموا که سرتاسر لاله‌زار را تا میدان توپخانه می‌پوشاند، مرکزیت تهران را می‌نماید. نش چهار راه لاله‌زار "سینما تابان" با پوستری بزرگ و نصب شده بر سر در اصلی خود، ما را به‌دیدن فیلم "دختر لر" فرامی‌خواند. اما گیشه‌خالی، هوای گرم و شوق دیدار دیگر محله‌های شهرک مجالی برای بیشتر توقف کردن نمی‌دهد.

خلوت دلنشین لاله‌زار را صدای تق و تق کفشهایمان در هم می‌شکنند و پس از آن و بترین مغازه‌های عطاری، بفالسی و... از پی هم چون "فرمهای" یک فیلم از جلو چشمانمان می‌گذرد و خاطره "هزار دستان" یا "جاده ابریشم" و یا خیلی بخواهیم دورتر را بنگریم "تهران قدیم" بار دیگر زنده می‌شود. می‌توان گفت سریال "هزار دستان" از بزرگترین کارها و پرهزینه‌ترین سریالهای ایرانی بوده است و زمانی حدود ۱۰ سال را برای آماده شدن به‌خود اختصاص داده است. "هزار دستان" اسمی سیاسی است و کهنه که سالهای سال در کشورمان وجود

که خوبی‌ها و بدی‌ها، زیبایی‌ها و زشتی‌ها گرد آمده‌اند تا در قالب واقعیات زندگی از "حسن جوری"‌ها بگویند و "قاضی شارع"‌ها را بنمایانند و خوشنویس‌ها را در دل تاریخ جاودانه کنند.

کمی دورتر، با گذر از راه پله‌های باریک، بناهای قدیمی با گنبدها و دیوارهای بلند و کوتاه که یاد خطه سوزار و خراسان را زنده می‌کند و هویدامی شود. شهری قدیمی که گویی با حفاریهای باستان‌شناسان از زیر تپه‌های خاک بیرون آمده است، برجک‌هایی برآمده از بامهای کاهگلی، پنجره‌های کوچک و اغلب بسته

می‌شوند و سایه ظلم را از سر مردم کوتاه می‌کنند...

شهر قدیمی را نیز ترک می‌کنیم، حالا تقریباً شهرک را دور زده‌ایم و دوباره در میدان توپخانه مقابل ساختمان شهرداری قرار می‌گیریم. نمای زیبای ساختمان با عرض مستطیلی شکل و گل-کاریهای اطرافش در واقع جایگاه رفت و آمد اتوبوسهای شرکت واحد تهران جدید را گرفته است، در عین حال سکوت حاکم بر میدان، زیبایی‌اش را در دل می‌نشانند و علیرغم این همه سکوت یادآور سرو و صدای شعبان استخوانی علیه حکومت



حکایت از دفاعی تاریخی در مقابل هجوم باغیان دارد و دو محوطه نسبتاً بزرگ بازار مانند، که گرداگردش دکانهای آهنگری، چلنگری و... دیده می‌شد. اما خالی از هرکس، تنها با یادی از "آیتخت" تخت بردوش و "گلواسفندیار" آهنگر مظهر ستیزه و مقاومت در ماجرای سریال سرداران و میدانچه شهر که سرداران در آن بر دار شدند اما لب نگشودند.

... از میدان شهر باشتین برهباهو و پرغوغا مردم به حرکت آمده‌اند، جوانان کم‌همت بسته، سرداران متحد شده‌اند و همه یکپارچه علیه حکومت و مغولان ستمگر ایستاده‌اند، آیتخت و دیگر دوستان تخت به‌دوش او، از اسارت و بردگی بند پاره کرده‌اند و با جمیع سرداران همراه شده‌اند، میدان شلوغ و خون‌گرفته، مغولان تکتک در کوچه و گذرها جان از دست می‌دهند و ترس در دل ستمگران لانه می‌کند، قاضی شارع و ایادی‌اش رنگ‌عوض می‌کنند و ملتس سرداران بالاخره این حیدرگویان هستند که بر اوضاع حاکم

قوام است و "جولانگاه سربازان انگلیسی و هندی"، خالی از هر رفت و آمدی. راهنمای شهرک در مورد ساختمان شهرداری می‌گوید: تنها ساختمانی که به صورت دکور ساخته شده و غیر قابل تغییر است همین ساختمان شهرداری و برخی مغازه‌ها در لاله‌زار است که از آنها به صورت انبار نگهداری لباسها و وسایل، دفتر کار و... استفاده می‌شود. بقیه جاها اغلب با مصالحی ساخته شده‌اند که قابل تغییراند.

ساعتی از روز گذشته و اشعه‌های گرم خورشید همچنان بر ما می‌تابد، بازدید ما به پایان رسیده است و آهنگ بازگشت داریم، بازگشت به تهران جدید.

رئیس هیئت امنای شهرک سینمایی صدا و سیما چه می‌گوید؟

دیدار از شهرک سئوالات بسیاری در ذهن ما ایجاد کرد که برای جواب یافتن به دیدار آقای مجید درخشان مدیر روابط عمومی و رئیس هیئت امنای شهرک سینمایی سازمان صدا و سیما جمهوری

اسلامی ایران می‌رویم. نخستین سئوال را پیرامون هدف و انگیزه صدا و سیما از ساختن چنین شهرکی مطرح می‌کنیم که وی در پاسخ، بعد از ذکر مقدمه‌ای از شیوه‌های برنامه‌سازی در تلویزیون می‌گوید: "مکان در برنامه‌سازی جزء منابع مهمی است که با کمک سایر اجزاء برنامه‌سازی از جمله: هزینه‌های مالی، مواد اولیه، تجهیزات و نیروی انسانی برنامه‌های تولید می‌شود. با توجه به اهمیت مکان در برنامه‌سازی از یک سو و حفظ آثار فرهنگ و معماری قدیمی و سنتی تهران، که مقارن با آغاز ساخت اولین سریال تلویزیونی بعد از انقلاب با نام "هزار دستان" بود و موضوع آن با حوادث تاریخی اواخر دوران قاجاریه و اوایل حکومت پهلوی مربوط می‌شد، سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران بر آن شد تا به ساخت شهرکی سینمایی و نمادین، برای تهیه فیلمهایی که موضوع آن در بستر تاریخ صدسال گذشته شکل گرفته است، اقدام کند."

درخشان در ادامه توضیحات خود می‌افزاید: "اصولاً تهیه یک برنامه در سطح شهرکاری پر زحمت و طاقت فرساست. باید برای هر صحنه کوچه یا خیابان را خلوت کرد، عوامل اضافی را حذف و از تجمع افراد کنجکاو و مزاحمت‌های دیگر جلوگیری به عمل آورد و... اما با وجود شهرکهای سینمایی، قدرت مانور فیلم سازان در برابر دکورهای منعطف بسیار وسیع و گسترده خواهد بود و کار فیلمبرداری راحت‌تر صورت می‌گیرد."

رئیس هیئت امنای شهرک سینمایی در پاسخ به پرسش مربوط به چگونگی ساخت شهرک می‌گوید: "با فراهم شدن مجموعه عکسهایی از ساختمانها، عمارات دولتی، محلات و خیابانهای قدیمی تهران، طرحهای اولیه شهرک تهیه و در اختیار "جانی کورینتا" و دیگر دکوراتورهای ایتالیایی قرار گرفت و پس از اینکه طرح دکورها توسط طراح ایتالیایی آماده شد به وسیله کارکنان صدا و سیما به‌احرا درآمد و دنباله کار را دکوراتورهای ایرانی به‌عهده گرفتند و همه دکورهای لازم توسط این افراد به تدریج تا اواخر سال ۶۲ فراهم آمد و از همان موقع بهره‌برداری از دکورهای شهرک برای ساخت سریال "هزار دستان" و دیگر فیلمها شروع شد. مجید درخشان با ذکر این مطلب که در حال حاضر شهرک سینمایی سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران برای بازدید عموم آماده است، پیرامون بقیه در صفحه ۵۲

● نظرخواهی ●

خواهشمند است در صورت تمایل فرم نظرخواهی را تکمیل و به آدرس مجله ارسال دارید، مطمئناً نظرات شما چه انتقادی، ارشادی یا... در رهنمون کردن ما تاءثیر بسیار دارد.

نام و نام خانوادگی
آدرس: شهرستان..... بخش.....
خیابان..... تلفن.....
میزان تحصیلات و سوابق.....
حرفه و شغل..... مسئولیت.....
تعداد پرسنل همکار.....
نحوه آشنایی با مجله.....
کدامیک از بخشها نظر شما را جلب کرده است؟
کیفیت مطالب چگونه است

گزارش اصلی
گزارش علمی
گزارش اقتصادی
گزارش هنری
اخبار
به نظر شما با توجه به روش نشریه کمبود چه مطالبی را احساس می کنید.
به نظر شما با توجه به روش نشریه چه مطالبی به کیفیت مجله لطمه می زند.

با تشکر از اینکه قسمتی از وقت خود را برای کمک به بهبود روند کار مجله گزارش صرف کردید، در صورت امکان ما را مفتخر نمایید که عنوان همکار افتخاری مجله در سراسر کشور را پذیرفته، ما را در درج گزارشات، اخبار، ترجمه و مطالب مفید یاری فرمایید.

بخش عربی
بخش انگلیسی
طنز اقتصادی

در خیرها نیامده بود
آگهی ها و تبلیغات

● فرم اشتراک مجله گزارش ●

با تشکر از اینکه به جمع خوانندگان گزارش پیوسته‌اید لطفاً فرم اشتراک زیر را تکمیل و همراه با کپی قبض پرداختی به آدرس مجله ارسال فرمایید

نام خانوادگی
نام

حرفه و مسئولیت:.....
نحوه آشنایی با مجله:.....
نشانی:.....
نشانی پستی:..... کد پستی:.....
تلفن:.....

حق اشتراک

۶ ماهه ۲۰۰۰ ریال

یکساله ۴۰۰۰ ریال

دو ساله ۸۰۰۰ ریال

هزینه پست سفارشی یا خارج از کشور افزوده می شود.

نحوه پرداخت: مراجعه وبسایت

بانک

حساب جاری ۱۲۱۴ بانک صادرات شعبه میدان فاطمی- تهران.
• در صورت اعلام شما مجله به آدرس مورد نظر ارسال می شود.
• در صورتی که علاقمند هستید مجله را برای دوستان و

همکارانتان نیز مشترک شوید در فرم اشتراک قید نمایید.
• تغییرات آدرس را بلافاصله با تلفن و یک هفته بعد با

ارسال نامه یادآوری نمایید.
• با توجه به اینکه حق اشتراک برای اساتید دانشگاه‌ها،

معلمین، دانشجویان، محققین، هنرمندان و محصلین با ۲۰٪ تخفیف می باشد، خواهشمند است معرفی نامه یا فتوکپی کارت شناسایی را همراه با فرم اشتراک ارسال دارید.
آدرس مجله: تهران. صندوق پستی ۵۴۶۷-۱۴۱۵۵- امور اشتراک و توزیع.

بیا ئید هم دیگه را پشنا سیم

مسلماً تولیدات و خدمات شما مصرف کننده لازم دارد.

قطعا تجارب ما، تاکنون تعدادی از همکاران شما را به نیکی زبانزد خاص و عام کرده است. و یقیناً اگر مطمئن هستید خدمات و تولیدات مناسبی عرضه می کنید، مطمئن باشید که پیشا پیش همکاران خود قرار می گیرید. با ما تماس بگیرید. ۹۲۰۱۴۴

قابل توجه دانشجویان علوم ارتباطات، ترجمه و هنرهای تجسمی مجله گزارش، تعدادی از دانشجویان رشته علوم ارتباطات (با گرایش روزنامه نگاری، خبر-نگاری)، ترجمه (زبانهای مختلف) و هنرهای تجسمی را به همکاری پاره وقت دعوت می نماید.
جهت کسب اطلاعات بیشتر لطفاً با تلفن ۹۲۰۱۴۴ مجله گزارش تماس حاصل فرمائید.

تعیین شده است.

مدیر روابط عمومی و رئیس هیئت امنای شهرک سینمایی صدا و سیما تسهیلات رفاهی و سرگرمی شهرک را برای بازدید کنندگان چنین معرفی می کند: "به منظور رفاه حال بازدید کنندگان، بوفه غذاخوری، مکان بازی بچه ها، پارک، سالن نمایش فیلم و نمایش فیلمهای کارتونی برای کودکان و سایر امکانات رفاهی در شهرک تدارک دیده شده است."

درخشان در پایان اظهار می دارد: "دستاندرکاران این شهرک سینمایی در صدد هستند تا در آینده نزدیک برای بازدید عموم از شهرک سینمایی توره های دسته جمعی برگزار کنند و همچنین به منظور کمک به گروههای فیلمساز حرفه ای و آماتور ترتیبی داده شده است تا این گروهها بتوانند در آینده با سهولت بیشتری از نمادها و صحنه های تاریخی موجود در شهرک برای ضبط صحنه های مربوط به فیلمهای تولیدی خود استفاده کنند."

□

وی در مورد زمان بازدید و چگونگی آن گفت: "برای تاءمین بخشی از هزینه های بازسازی ماکتسا و حفظ و نگهداری آنها علاقه مندان با تهیه بلیط ورودی که بهای آن سیصد ریال تعیین شده از تاءسیسات شهرک سینمایی دیدن خواهند کرد که البته بهای بلیط برای خانواده های شهدا و دانش آموزان و دانشجویان یکصد ریال

بقیه از صفحه ۴۲

طرحهای آتی این شهرک بیان می دارد: "به دنبال تقاضاهای مکرر گروههای کثیری از مردم در ارتباط با بازدید از شهرک سینمایی به فکر افتادیم تا ضمن انجام برنامه ریزی های لازم، این شهرک را با تسهیلات و امکانات رفاهی بیشتری در معرض بازدید عموم قرار دهیم."